

موضوع: رابطه کرامت نفس با کنترل شهوت

حکیمه بخشیوند

چکیده

رابطه بین کرامت نفس و قوه شهوت یک تعامل پیچیده است. کرامت نفس مفهومی اخلاقی است که نشان دهنده ارزش و احترام فرد به خود است و قوه شهوت به تمایلات جنسی و نیازهای غریزی انسان اشاره دارد. در این نوشتار با استفاده از روش کتابخانه ایی به جمع آوری مطالب پرداخته شده است و به روش توصیفی، در قالب مقاله حاضر نگارش یافته است. تا ارتباط میان این دو مفهوم را بررسی کند، و نشان دهد که چگونه سلامت و تقویت کرامت نفس می تواند به مدیریت بهتر قوه شهوت و حفظ تعادل روانی کمک کند. در نهایت با توجه به بررسی های انجام شده نوشته حاضر حاکی از آن است که بالا بودن کرامت نفس می تواند منجر به کنترل بهتر شهوت و رفتارهای متعادل شود و بالعکس ضعف در کرامت نفس ممکن است موجب بروز رفتارهای افراطی و ناسالم مربوط به قوه شهوت گردد.

کلید واژه ها: کرامت، کرامت نفس، قوه شهوت

انسان برجسته ترین موجود نظام هستی است. زیرا متشکل از دو بعد جسمی و روحی است. این موجود پیچیده دارای چهار قوه عقلیه، خیالیه، غضبیه و شهویه می باشد. قوه شهوت یکی از غرایز اصلی، انسان است که نقش مهمی در رفتارها و تصمیم گیری های فرد دارد، این قوه اساس سازندگی شخصیت انسان و یکی از مهم ترین عوامل تکامل جامعه بشری است. خمیر مایه سازندگی شخصیت انسان و تکامل جامعه بشری به کرامت نفس برمی گردد، کرامت نفس باور به ارزش والای خود می باشد و یکی از مولفه های مهم سلامت روان است. بر اساس آموزه های دینی و باورهای علمی افرادی که کرامت نفس پایینی دارند، ممکن است در معرض رفتارهای، پرخطر جنسی یا انحرافات اخلاقی قرار بگیرند. از طرفی دیگر سرکوب غیرمنطقی قوه شهوت، می تواند به بحران های شخصی و اجتماعی منجر شود.

بنابراین بررسی رابطه این دو مفهوم لازم است چراکه به فهم تعادل بیان غرایز و ارزش های درونی و تربیت اخلاقی جوانان و نوجوانان کمک می کند و شناخت علمی رابطه این دو به سیاستگذاران، مشاوران و مربیان کمک می کند، تا راهکارهایی برای پیشگیری از آسیب ها و مهار غرایز و حفظ کرامت نفس طراحی کنند. درباره موضوع ارتباط بین کرامت نفس و قوه شهوت تا کنون مقاله ای نگاشته نشده است و آثار مشابه تنها به مفهوم دو عامل «کرامت و شهوت» پرداخته اند. به عنوان مثال می توان به مقاله ایی با عنوان «کرامت نفس و پرهیز از شهوت» نوشته سید حسن اسحاقی اشاره کرد.

و یا مقاله دیگری با عنوان «نقش کرامت نفس در تربیت فرد» نوشته علی هراتی نگاشته شده است. وجه تمایز اثر حاضر با آثار مشابه در این است که به صورت توأمان به بررسی مفهوم کرامت و شهوت سخن گفته اند. این نوشتار در صدد دستیابی به پاسخ مناسب برای این پرسش است که کرامت نفس و قوه شهوت چه ارتباطی با یکدیگر دارند. با استفاده از روش توصیفی به این پرسش پاسخ گفته شده است.

1-1. کرامت نفس:

کرامت از ریشه (کرم) می باشد و در کتب لغت آمده است: «الکرم: شرف الرجل» (فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۳۶۸). به معنای بخشش و نعمت دادن است، هرگاه خدای تعالی با این واژه وصف شود، اسمی برای احساس و نعمت بخشیدن ظاهر و روشن اوست، مانند آیه «فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ»... همانا خدا بی نیاز و کریم و مهربان است. هرگاه انسان با واژه ی کرم وصف شود، در این صورت، اسمی است برای اخلاق و افعال پسندیده ای که از انسان ظاهر می شود و واژه کریم تا وقتی که آن اخلاق و رفتار ظاهر نشود، گفته نمی شود. اکرام و تکریم این است که بزرگداشتی یا سودی به انسان برسد که در آن نقصان و خواری نباشد و یا چیزی که به او می رسد، او را کریم یا شریف گرداند. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۷). همچنین، کرامت به معنای سخاوت، شرافت، نفاست و عزت. آمده است. (قرشی، قاموس القرآن، ج ۳، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). بزرگی و رزیدن، جوانمرد گردیدن، نفیس گردیدن، بزرگوری و بخشیدگی می باشد. (دهخدا، فرهنگ نامه معین، ج ۱۲، ص ۱۲۰، ۱۳۷۲).

از نگاه مطهری؛ کرامت نفس احساس نفیس بودن شخصیت انسانی فی حد ذاته و ذی قیمت بودن نفس فی حد ذاته و قطع نظر از آثار عملی و قطع نظر از جمیل بودن صفت خلقی می باشد. (مطهری، یاد داشت های شهید مطهری، ج ۶، ص ۴۸۱).

که او را از پستی و فرومایگی تنزیه می کند. از این رو، روح بزرگوار و منزّه از هر پستی را کریم می گویند- (جوادی آملی، کرامت در قرآن، ۱۳۷۶، ص ۲۱).

پس بنا بر آیات قرآن کریم انسان بر مبنای فطرت خاص آفریده شده است که همین فطرت، اساس شخصیت الهی و انسانی او را تشکیل می دهد. علاوه بر این، قرآن کریم انسان را موجودی عزیز و شریف می داند که لازم است در راستای خلقت خود، قدر و منزلت خویش را بشناسد. عزت و کرامت نفس مهم ترین محور در اخلاق اسلامی است، چنانکه خداوند متعال می فرماید: «و لقد کرمنا بنی آدم.... و فصلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفصیلاً....» (معارف، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، ص ۲۹۵).

پس روح الهی منشا کرامت است. علامه در تفسیر این آیه می فرماید: مقصود از تکریم، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد و با همین خصوصیت است که معنای تکریم و تفصیل فرق پیدا می کند چون تکریم، معنایی است نفسی و در تکریم، کاری به غیر نیست، بلکه تنها شخص مورد تکریم، مد نظر است که صاحب شرافت و کرامتی بشود، برخلاف تفصیل که منظور از آن این است که شخص تفصیل از دیگران برتری یابد، در حالی که او با دیگران در اصل آن عطیه شرکت دارد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ۱۳۷۴، ص ۲۱۴).

در ادامه می توان گفت که تکریم مه محبت و عنایتی است مخصوص انسان که در چیز دیگری یافت نمی شود. تکریم و شرافت انسان که خدا خاص او قرار داده است، به واسطه عقل و تفکر است که با آن حق و باطل، مضر و نافع و نیز خیر و شر را از هم تشخیص می دهد و موجودات کوتیه را به تسخیر خود در می آورد و در جهان به دلخواه خود تصرف می کند (قرشی، قاموس القرآن، ج ۳، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

از این رو، یکی از نمود اشرف بودن و کمال آدمی، همین کرامت است که او را مظهر اسم اعظم الله و جامعه اسما و صفات خداوندی می کند و او را به اوج قله انسانیت می رساند.

در دیدگاه قرآن کریم انسان خلیفه خدا بر روی زمین است همه چیز برای او آفریده شده و تحت تسخیر او قرار داده شده است: «و سخرلکم ما فی السماوات و ما فی الارض جمیعا منه» (جاثیه/ آیه ۱۳).

این تعبیر بیانگر شخصیت ارزشمند و والای بشر و مواهب مادی و معنوی الهی نسبت به اوست که گل سرسبد موجودات عالم است و انسان بودن او، موجب تذکری می شود که سبب دوری وی از گناه و پی بردن به شخصیت و مقام والای خود در میان آفریدگان خداوند می شود

أرضیتم بالحیوة الدنیا آیا شما به زندگی دنیا راضی شده اید؟ یعنی تو انسان هستی شخصیت انسان بسیار بالاتر از دنیا است خود را به دنیا نفروش چرا که انسان دارای کرامت است و باید کرامت خود را بازیابد تا توجه به شخصیت خود، او را از بخشی از گناهان باز دارد .

کرامت نفس، احساس نفیس بودن و ارزشمندی شخصیت انسان است که خداوند از بین موجودات، این محبت را به انسان اختصاص داده است پس به واسطه این عنایت، او را که آئینه تمام نمای کمال خداوندی است خلیفه خود در زمین معرفی کرده است همچنان که پیامبر اکرم (صلی الله و آل محمد) می فرمایند: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ» این آیه مبنی بر امتنایی است که بر بشر فرموده است و برخی از آنان را به نمایندگی از خود بر عوامل امکانی مقرر داشته است و به همین عامل سبب برتری، آنان بر فرشتگان است. (حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱، ۱۴۰۴، ص ۹۸).

البته این نعمت، لطف و رحمت الهی، بسیار بزرگتر و مهم تر از نعمت های زمینی و سمایی است؛ زیرا همه آنها درباره حیات بدنی و مادی بود و این لطف مربوط به حیات روحی و معنوی انسان است که تکمیل وجود و تامین سعادت اوست. (مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹).

البته در مواردی که انسان خدا را فراموش کند موجب خود فراموشی خود می شود که در اثر آن کرامت انسانی از بین می رود چرا که از یک سو، فراموشی پروردگار سبب می شود که انسان در لذت های مادی و شهوات حیوانی فرو رود، و ارزش ها و استعدادها و لیاقت های ذاتی خود را که خدا در او نهاده است از بقیه مخلوقات متمایز ساخته و همچنین هدف آفرینش خود را به دست فراموشی سپارد و این با فراموش کردن انسانیت خویش مساوی است و چنین انسانی تا سر حد یک حیوان درنده سقوط می کند و همتش چیزی جز خواب و خور و شهوت نخواهد بود (طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۲۳۵)

امیرالمومنین علی علیه السلام در این باره می فرماید: «من کرمتم علیه نفسه هانت علیه شهواته» کسی که برای خود شخصیت قائل است شهواتش در برابرش خوار خواهند بود.

کرامت، بزرگی ورزیدن، جوانمرد گردیدن، بزرگی، بزرگواری، جوانمردی و بخشنده‌گی است. فرهنگ فارسی، ج ۱۳، ص ۲۹۲۹).

«کرم» اگر وصف خدا قرار گیرد، اسم است برای احسان و نعمتهای ظاهری او و اگر وصف انسان باشد اسم است برای اخلاق و افعال پسندیده‌ای که از او ظاهر می‌شود. (رافع اصفهانی، المفردات، ص ۷۰۷).

کرامت، عزّت همراه با تفوّق و برتری در نفس شیء است، نه اینکه برتری طلبی نسبت به دیگری باشد و از آثار آن جود و سخاوت، گذشت و ... می‌باشد و خصوصیات آن به حسب مصادیق و موارد فرق می‌کند. (مصطفوی، التحقيق کلمات القرآن، ج ۱۰، ص ۴۶-۴۷).

در این عنوان آیاتی معرفی می‌شوند که در آنها از واژه «کرم» و مشتقات آن و بعضی جملات که مفید معنای کرامت باشد، استفاده شد.

کرامت به معنای عزت و شرافت است و در اصطلاح فضیلت و شرافتی است که انسان را از دیگر آفریده‌ها متمایز می‌کند امام خمینی بر اساس مبانی فلسفی و عرفانی خود کرامت انسانی را تبیین کرده و کرامت ذاتی را مقدمه رسیدن انسان به کمالات بالای الهی دانسته است. (خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۰-۱۴۱). ایشان معیار انسانیت و کرامت را روحانیت نفس و مراعات تقوا می‌داند. (خمینی، ادب الصلاه، ص ۱۵۴-۱۵۵).

انسان در اندیشه امام خمینی به دلیل اصیل بودن وجود و جامعیت وجودی و کمال‌پذیری خود، دارای مراتب تشکیکی در کرامتی است که هیچ موجودی در عالم امکان به آن راهی ندارد، ایشان تاکید دارند که انسان موجودی است که در ذات و جوهر خود دارای کرامتی است که او را از موجودات دیگر ممتاز می‌کند و آن تمایز در این است که انسان دارای نفسی است که از روح الهی در او دمیده شده است. (خمینی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳، ص ۴۳-۴۴). و انسان به حسب ذات خود این استعداد را دارد که این ودیعه الهی را به فعلیت برساند.

باور امام خمینی انسان در آغاز خلقت خالی از هرگونه فعلیت در جانب سعادت و شقاوت است و قابلیت ترقی به مرتبه کرامت انسانیت را دارد و در آغاز امتیازی از حیوانات دیگر ندارد، بلکه حیوانی بالفعل است که بر اساس شهوت و غضب حرکت می‌کند. (خمینی، همان، ج ۱۳، ص ۱۶۸).

این ترقی و حرکت از مرتبه حیوانی به مرتبه انسانی و بالاتر از آن است و نفس همان گونه که در حرکت خود از مرتبه جمادی به نباتی و حیوانی این حرکت را داشته، می‌تواند حرکت خود را در صورت نوعیه خود ادامه دهد که اگر به طرف کمال رود از حیوانیت خارج می‌شود و یک موجود روحانی بلکه بالاتر از فرشتگان در کرامت می‌شود و اگر در نقصان حرکت کند، پست‌تر از حیوان می‌شود. پس ترقی در مراتب کمالی می‌تواند مظهر اسمای الهی و مظهر اسم جامع الله گردد؛ بنابراین کرامت انسان به حسب نوع انسان در این است که این قابلیت را دارد که مراحل کمال را طی کند و این بالقوه در موجودات دیگر نیست، اما کرامت خاصه در کمال بالفعل انسان است که به مرحله انسانیت برسد. (خمینی، دانشنامه امام، ج ۸، ص ۴۱۴).

می شود فرد هم به توانایی های خود ایمان داشته باشد و هم به پشتوانه قوی تری ،از خود تکیه کند، که این موضوع کرامت نفس را بالا می برد.

امام صادق در این زمینه می فرماید: (خدای متعال فرمودند: «قسم به عزت و جلال و مجد و ارتفاع مکان خودم که قطع می کنم امید هر امیدوار به غیر خودم را و او را نزد مردم جامه خاری و ذلت می پوشانم و از درگاه خود او را دور می گردانم آیا در رفع شائد به غیر من چشم دارد در حالی که همه شدت ها در دست من است. (نراقی،معراج السعادت، ۱۳۸۹، ص۶۶۳).

6- رابطه کرامت نفس با قوه شهوت:

انسان تنها موجودی است که قدرت تغییر و تحول، در عالم آفرینش را دارد. از دیدگاه ادیان الهی، انسان اشرف مخلوقات است و به همان اندازه هم پیچیده است، به این معنا که خداوند به خاطر آفرینش او خود را می ستاید؛ «فتبارک الله احسن الخالقین» (مومنون/ آیه ۱۴). در حالت و شرایط دیگر به جایی می رسد که خداوند، او را کمتر از حیوانات بلکه گمراه تر می داند.(قاسمی، هوای نفس، ۱۳۹۰، ص۱۵۶). «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف/ آیه ۱۷۹).

بنابراین وقتی انسان جایگاه و ارزش خود را بشناسد، شهوات را به عنوان مانعی برای کرامت نفس خود می بیند چرا که رسیدن به کرامت ممکن نیست، مگر اینکه با تهذیب نفس و دوری از شهوت باشد. رسیدن به کمال و درجات قرب الهی فقط با یک چیز میسر می شود و آن هم تهذیب نفس، دوری از شهوت است و هر کس بیشتر در این امر همت کند، نزد خداوند گرامی تر و مقرب تر است. به همین دلیل امام علی (علیه السلام) می فرماید: «طوبی لمن عصی فرعون هواه و أطاع موسی تقواه أو عقله» خوشا بر آن کس که با فرعون هوای نفس خود مخالفت کند و موسای عقل و تقوای خود را اطاعت کند.(واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ۱۳۷۶، ص۳۱۴).

پس افرادی که از کرامت نفس بالایی برخوردارند، به دلیل خودآگاهی و شناخت جایگاه و ارزش خود بهتر می توانند، نیازها و احساسات خود را درک کنند و این آگاهی سبب می شود در مواجهه با شهوات انتخاب های بهتری داشته باشند و به همین سبب شهوت و امیال نفسانی نزدشان بی ارزش می شود و به راحتی می توانند از آنها چشم پوشی کنند، چرا که شهوت و لذت های آن را پایین تر نسبت به کرامت خود می بینند. این غریزه بسیار قوی و تند است و همچون شعله آتش است که اگر زبانه بکشد، تمام فضائل را در وجود انسان می سوزاند و تخریب میکند، لذا هر چه کرامت فرد بیشتر باشد، تمایل او به مهار و کنترل شهوت افزایش می یابد چرا که او به دنبال تعالی اخلاق و معنوی است، نه اینکه صرفاً لذت های آنی و زودگذر باشد.

بنابراین، فرد برای حفظ جایگاه و کرامت خود همواره از شهوت دوری می کند. امیرالمومنین فرمودند: (مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ)

و فرمود (ع): هر که به کرامت نفس خود آگاه شود، شهوات در دیده اش حقیر آیند. (رضی، نهج البلاغه، ح ۴۴۹).

نتیجه گیری

بنابراین با توجه به مطالعات صورت گرفته کرامت نفس و قوه شهوت به طور پیچیده ای ، با یکدیگر در تعامل هستند. کرامت نفس به عنوان یکی از ویژگی های برجسته شخصیت انسانی که او را از دیگر موجودات متمایز می سازد و او را شایسته مقام خلافت الهی می کند. با خودآگاهی، عزت نفس و توانایی کنترل تمایلات و احساسات مرتبط است، از سوی دیگر، قوه شهوت به عنوان یکی از غرایز طبیعی انسان و عوامل تکامل بشر است در صورت عدم کنترل می تواند آثار منفی بر روح و روان فرد بگذارد و باعث سلب کمال و سعادت در فرد شود هنگامی که فرد دارای کرامت نفس بالا باشد تمایل او به مهار و کنترل شهوت افزایش می یابد و این تعادل موجب رشد اخلاقی و روانی او می شود و بر عکس ، ضعف در کرامت نفس موجب غرق شدن فرد در شهوت و سقوط انسان از جایگاه خود و او را موجودی ضعیف می کند، پیامدهای منفی در زندگی فردی و اجتماعی او را، به همراه خواهد داشت. بنابراین تقویت کرامت نفس از طریق خودشناسی ، احترام به خویش، توکل به خدا ، کلید رسیدن به تعادل مطلوب، بین غرایز و ارزش های انسانی است که مسیر زندگی را هموار ترمی سازد. پس کرامت نفس سپر و سد محکمی در برابر اسارت شهوت است و هر چه کرامت نفس بیشتر باشد تسلط شهوت کمتر و زندگی انسان سالم تر خواهد بود.

قرآن

روایات

- (۱) آنتونی/ گیدنز/ جامعه شناسی/ مترجم (منوچهر صبوری) / تهران/ انتشارات نی/ ۱۳۷۷).
- (۲) امینی / ابراهیم/ خود سازی/ قم / انتشارات شفق/ ۱۳۸۰.
- (۳) اسلامی/ حسن/ اعتماد به نفس/ تهران/ موسسه چاپ و نشر عروج/ ۱۳۸۲.
- (۴) ابن شعبه / حسین بن علی/ تحف العقول/ قم/ موسسه فرهنگی دار احادیث/ ۱۳۹۳.
- (۵) تمیمی آمدی/ عبدالواحد بن محمد/ غرر الحکم و درر الکلم/ موسسه فرهنگی دار الحديث/ ۱۳۹۵.
- (۶) جوادی آملی/ عبدالله/ کرامت در قرآن/ تهران/ مرکز نشر فرهنگی رجا/ ۱۳۷۶.
- (۷) حسینی/ محمد حسین/ انوار درخشان/ ج ۱/ تهران / کتابفروشی لطفی/ ۱۴۰۴.
- (۷) خمینی/ روح الله/ شرح چهل حدیث/ تهران/ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی/ ۱۳۸۸.
- (۸) خمینی/ روح الله/ تقریرات فلسفه امام/ ج ۳/ موسسه تنظیم و نشر آثار امام/ ۱۳۸۸.
- (۹) خمینی/ روح الله/ شرح حدیث جنود عقل و جهل/ تهران/ موسسه تنظیم و نشر آثار امام / ۱۳۷۲.
- (۱۰) خمینی / روح الله/ آداب الصلوات/ تهران/ موسسه تنظیم و نشر آثار امام/ ۱۳۸۸.
- (۱۱) دهخدا/ علی اکبر/ فرهنگ نامه معین/ ج ۱۲/ تهران/ انتشارات روزنه/ ۱۳۸۴.
- (۱۲) راغب اصفهانی/ حسین بن محمد/ المفردات/ دمشق _ بیروت/ دار العلم/ ۱۴۱۲ ق.
- (۱۳) رضی / محمد بن حسین/ نهج البلاغه/ قم/ ۱۳۸۷.
- (۱۴) طباطبایی/ محمد حسین/ المیزان/ ج ۱۳/ قم/ جامعه مدرسین حوزه علمیه/ ۱۳۷۴.
- (۱۵). قرشی/ علی اکبر/ قاموس القرآن/ ج ۳/ دار الکتب الاسلامیه/ ۱۳۸۷.
- (۱۶) قرآنتی/ محسن/ گناه شناسی/ تهران/ مرکز فرهنگی درس های از قرآن/ ۱۳۷۵.
- (۱۷) قاسمی/ محمد رضا/ هوای نفس/ تهران/ موسسه چاپ و نشر عروج/ ۱۳۹۰.
- (۱۸) فراهیدی/ خلیل بن احمد/ العین/ ج ۵/ قم/ دار الحجره/ بی تا/ ۱۳۸۵.
- (۱۹) کلینی/ محمد بن یعقوب/ کافی/ تهران/ دارالکتب الاسلامیه/ ۱۴۰۷ ق.
- (۲۰) لیث واسطی/ علی بن محمد/ عیون الحکمه/ قم/ موسسه علمی فرهنگی دار الحديث/ ۱۳۷۷.
- (۲۱) مطهری/ مرتضی/ یادداشت های مطهری/ ج ۶/ تهران/ انتشارات صدر/ ۱۳۶۹.

- ۲۲) مصطفوی/ حسین/ تفسیر روشن/ ج ۱/ تهران/ مرکز نشر کتاب/ ۱۳۸۰.
- ۲۳) محمدی ری شهری/ محمد/ میزان الحکمه/ تهران/ موسسه فرهنگی دار الحديث/ ۱۳۹۵.
- ۲۴) مکارم شیرازی/ ناصر/ اخلاق در قرآن/ تهران/ دارالکتب اسلامی/ ۱۳۸۱.
- ۲۵) نراقی/ ملا احمد/ معراج السعادت/ قم/ انتشارات مقدس/ ۱۳۸۹.
- ۲۶) معارف/ مجید/ مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی/ تهران/ نشر نبا/ ۱۳۸۳.
- ۲۷) نوری / حسین/ مستدرک الوسائل/ ج ۱۱/ موسسه ال البيت الاحیا التراث/ بیروت _ لبنان/ ۱۳۸۵.
- ۲۸) وفایی/ عباسعلی/ کلیات پزشکی ۱ و ۲/ انتشارات بشری و تحفه/ تهران/ ۱۳۸۰.